

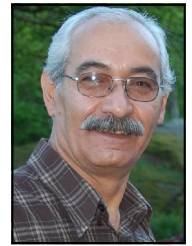
ایسکرا

۸۳۸

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

۹ تیر ۱۳۹۵، ۲۹ ژوئن ۲۰۱۶ تلفن تماس با ما Tel: 004915142486244 سردبیر عبدال گلپریان

پروژه های راست و شکست خورده عبدالله مهتدی



عبدل گلپریان

قومی گری، دست همکاری بسوی سازمان کردستان حکا دراز میکند که خود ایشان قبلا از موضعی راست و با افق فدرالی و قومی گری و در اوج بی پرنسیبی از آن جدا شد حاضر اهمیت در پرداختن به آن است. برای بسیاری که با تاریخ حزب کمونیست ایران و کومه له و همچنین جدا شدن خط راست از این حزب آشنایی دارند این سؤال مطرح است که چرا مهتدی دست همکاری بسوی سازمان زحمتکشان و یا دیگر طیفهای جدا شده از کومه له که نزدیکی بیشتری از نظر افق سیاسی با همدیگر دارند دراز نکرده است؟ اگر قرار باشد سازمانها و جریاناتی همکاری و نزدیکی با جریانات دیگر را در دستور کار خود قرار دهند قاعدتا بدنبال نیروهایی که هم افق، هم جنبش و از جنس خودشان

صفحه ۲

عبدالله مهتدی اخیرا پروژه ای برای نزدیکی با سازمان کردستان حزب کمونیست ایران - کومه له را ارائه داده است که پرداختن به آن اهمیت دارد. اهمیت پرداختن به این موضوع نه از سر اینکه سازمان عبدالله مهتدی، افق، سیاست و کارنامه اش موضوع مهمی در تحولات دیروز یا امروز و آینده در کردستان ایران باشد بلکه از این رو که سازمانی با پیشینه راست و

ادامه زندگی و مبارزه جعفر عظیم زاده در گرو ختم اعتصاب غذا است



اجتماعی از جعفر خواسته اند به اعتصاب غذای خود پایان بدهد. ما نیز مجددا بر این خواست تاکید میکنیم. حتی خود جعفر عظیم

صفحه ۲

خانواده او، بسیاری از دوستان و همرزمان اش و حامیان بیانیه مشترکی که او به همراه اسماعیل عبیدی در روز جهانی کارگر اعلام نمود را شنیدند نگران کرده است. بسیاری از فعالین جنبش کارگری، معلمان، زندانیان سیاسی، نویسندگان، دانشجویان و فعالین

وخامت وضع جسمی جعفر عظیم زاده به مرحله بحرانی رسیده است. بنا به آخرین گزارش اتحادیه آزاد کارگران جعفر در اثر شصت روز اعتصاب غذا دچار خونریزی روده و دردهای شدید معده شده است و فشار خون و ضربان قلبش به شدت پائین آمده است. این وضعیت

گزارش مقدماتی از برگزاری تجمع اعتراضی مقابل دفتر ریاست جمهوری



در پاسخ به فراخوان جمعی از کارگران، معلمان و فعالین جنبش های اعتراضی در حمایت از جعفر عظیم زاده و انتشار گسترده آن، روز چهارشنبه ۹ تیرماه پیش از ساعت ۱۰ صبح گروههایی از مردم بتدریج در محل قرار قبلی و سایر محل های ورودی به خیابان پاستور (محل دفتر ریاست جمهوری) تجمع

صفحه ۳

گلگشت ها اقدامی قابل تکثیر و موثر! و یک ملاحظه



نسان نودینیان

سازماندهی و متحد کردن جامعه تابعی از درجه نفوذ آنها در محل کار و زندگی در کارخانه و محله است. برپایی و تداوم برگزاری گلگشت ها خود نیز به بالا بردن میزان نفوذ و اتوریته فعالین اجتماعی، میفزاید. گلگشت های جذاب، خود نیز برای تشویق و ترغیب کسانی که بیش از یکبار در گلگشت ها شرکت داشته اند، موثر است. گلگشت وقتی جذاب است که برنامه های متنوع از جمله موزیک و شادی، بکارگیری ابتکاراتی هوشمندانه برای کودکان خانواده هایی که در گلگشت شرکت کرده اند را در برگیرد

صفحه ۳

در چند سال گذشته توسط فعالین عرصه های اجتماعی، گروههایی گلگشت به سنتی برای دیدار و جمع شدن بدست گرفته شده. این اقدام و این ابتکار بسیار بجا و قابل تکثیر است. درجه دخالت فعالین عرصه های اجتماعی در

اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق



یدی محمودی

نورولی گفت: "حلبچه استانی منجزا است و ما کاری به استانهای دیگر نداریم و اینجا هیچگونه اموالی را به اسم شهروندان عرب به ثبت نمی رسانیم." لازم به ذکر است که در چند سال گذشته و با نا امن تر شدن مناطق وسیعی از عراق، مردم زیادی از استانهای دیگر به اقلیم

صفحه ۶

بر خورد راسیستی به شهروندان عرب زبان در اقلیم کردستان!

بر اساس گزارشهای منتشر شده اخیرا استاندار حلبچه اعلام کرده که شهروندان عرب حق خرید هیچ گونه زمین، خانه و مغازه ای را در این استان ندارند. روز ۲۴ ژوئن استاندار حلبچه عبدالله

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

نسان نودینیان، نسرین رمضانلی

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ پروژه های راست و ...

هستند چنین تلاشی را در دستور قرار خواهند داد. اما چرا یک سازمان با افق و سیاست قومی گری و راست، جریانی را که با چپ و کمونیست تداعی میشود برای همکاری با خود انتخاب کرده است؟

آنچه که در اصل محرک هر گونه تلاش و تقلایی بین احزاب برای جدایی، نزدیکی و یا اقدامی از سوی خود بتنهایی باشد، ابتدا متاثر از تحولاتی است که در بیرون از چهارچوب، افق و سیاست احزاب رخ میدهد. عبدالله مهتدی در مقطع جنگ خلیج بنیال دوستان نزدیک در میان اتحادیه میهنی روان بود. جنگ خلیج، فروپاشی بلوک شرق و ظاهرا پایان کمونیسم را بر آن داشت که به همان اصلاتی که از ابتدای فعالیت این گرایش بدان معتقد بود بازگردد اما کمونیسم باقی مانده در حزب کمونیست ایران همچنان مانع جدی در مقابل پروژه ای که مد نظر ایشان بود قرار داشت. در سال دو هزار در تلاش برای تبدیل نمودن سازمان کردستان حکا به جریانی راست و قومی و از موضعی عقب مانده که فقط برانزده جنبش ناسیونالیسم کرد است نا امید شد و از کومه جدا شد تا بلکه بتنهایی بتواند بر بستر روند اوضاع و در دوران صدارت و سیاستهای حمله نظامی دلبیوش به ایران جایگاهی بدست آورد. کارنامه و ارائه طرحها و پروژه های عبدالله مهتدی از آن تاریخ به بعد نیز مملو از تلاش برای ایجاد اتحاد و نزدیکی با نیروها، شخصیتها و طیفهای بریده شده از جمهوری اسلامی گرفته تا اپوزیسیون راست بورژوازی ایران تا به امروز بوده است که یکی پس از دیگری دود شده و به هوا رفته اند. این تلاشها همانطور که اشاره شد اساسا بر بستر روند اوضاع و سیر تحولات در منطقه و تا جاییکه به تحولات در ایران و کردستان ایران مربوط است صورت گرفته است.

اما پروژه اخیر ایشان و دراز کردن دست همکاری به سوی سازمان کردستان حکا بخاطر چیست؟ درست است که امروز کومه له حکا بدلیل سیاست و عملکرد تاریخ گذشته اش همچنان بعنوان سازمانی چپ و معتبر در

کردستان ایران نگرسته میشود و نزدیکی مهتدی با آن ممکن است بتواند ضمن کسب اعتبار برای ایشان همچنان در جهت عقیم ساختن گرایش چپ در درون این سازمان را پیشه خود کند منتها در اینجا نیز مسئله نه خواب و خیال مهتدی و اینکه اشتها دارد پروژه دیگری را به محک آزمایش بگذارد بلکه آنچه که ایشان را وادار به چنین تلاشی کرده است باز هم بدلیل تحولاتی است که در منطقه در جریان است.

واقعیت امر این است که بجز سازمان کردستان حکا، علیرغم اینکه در مقطعی جهت گیریهای همچون شرکت در کنگره ملی کرد و اتخاذ مواضع و سیاستهایی قابل نقد را که از خود نشان داده است، مابقی جریانات و احزاب اپوزیسیون در کردستان ایران ضمن تفاوتی جزئی در سیاست، تاکتیک و عملکردهایشان، همگی از یک جنس بوده و با یک افق شناخته میشوند. خصلت نمای این جریانات امروز دیگر ناسیونالیستی بمعنای کلاسیک کلمه نیست چرا که خطاب کردن این جریانات با نام ناسیونالیسم دادن امتیاز به آنان است، بلکه عقب تر از ناسیونالیسم و در فاز قومی گری قرار دارند. چشم انداز این احزاب از هر دو شاخه حزب دمکرات گرفته تا پژاک و هر دو سازمان مهتدی و ایلخانی زاده همگی از یک جنس هستند و در ظرفیت جنبش کردایتی خود را تعریف کرده اند.

مهتدی بعد از جدا شدن از کومه له و امتحان کردن پروژه های مختلف و شکست خورده طی بیش از یک دهه و نیم، اکنون میخواهد بر بستر تحولات در منطقه بار دیگر خود را در کنار سازمان کردستان حکا بیازماید. شرایط و اوضاع منطقه بگونه ای است که شخصیتهای جریانات قومی نظیر مهتدی را به تکاپو انداخته است.

بعد از بیش از دو دهه و نیم از حاکمیت احزاب ناسیونالیست کرد بر کردستان عراق و علیرغم بحران و بن بست غیرقابل علاج این حکومت، افصح سیاسی، مالی و کارنامه مملو از فساد و تباهی که در جامعه کردستان عراق بوجود

آورده است، جریانات ناسیونالیست و قومی شانس چندانی برای کسب موقعیتی برای خود در آینده کردستان ایران را نمی بینند. آش حکومت اقلیم کردستان آنقدر شور است که جریانات اپوزیسیون راست و قومی در هر چهار بخش کردستان علیرغم اینکه متعلق به یک جنبش هستند اما نمی خواهند با سیاست و عملکرد حکومت اقلیم تداعی شوند. طی یکی دو سال گذشته نیروها و احزاب هم جنس پ. ک. ک در کردستان سوریه با دادن رنگ و لعابی به پلاتفرم و برنامه هایشان در کانتونها کوشیدند بین خود و حکومت اقلیم کردستان مرزی ترسیم نمایند که تا حدی "چپ" جلوه کنند. تا جاییکه حتی برخی نیروهای چپ باورشان شده بود که کمونیسم و چپ در کردستان سوریه از جنس کمون پاریس ظهور کرده است. در هر حال مسئله بسادگی این است که عبدالله مهتدی بعد از چندین سال سرگردانی در راستای افق عقب مانده قومی و بعد از چندین سال کوییدن درب دفاتر دولتها و چشم امید به همکاری با نیروها و شخصیتهای راست، دوباره فیلش یاد هندوستان کرده است. جنب و جوش نظامی و درگیری بین حدکا و جمهوری اسلامی نیز یکی از فاکتورهای است که مهتدی در پروژه نزدیکی و همکاریش با سازمان کردستان حکا بدان می اندیشد.

علیرغم هر گونه واکنشی که از سوی سازمان کردستان حکا نسبت به درخواست و پروژه نزدیکی مهتدی روی دهد، قبل از هر چیز چنین تمایلی از سوی راستین و عقب مانده ترین جریان قومی این پیام را در خود دارد که تنها چپ و کمونیسم است که میتواند پاسخ روشن و واقعی به اوضاع آشفته بازاری باشد که ناسیونالیسم قومی و اسلامی در حکومت اقلیم و دیگر نیروهای عشیره ای و فدرالچی اپوزیسیون در منطقه خلق کرده اند. قطعا انتظار این است که سازمان کردستان حکا با توجه به اینکه خود را چپ و کمونیست تعریف میکند، دست رد به سینه جریان شکست خورده قومی گرا که در اوج بی پرنسیبی از کومه له رخت بر بست بزند.

اما خارج از هر گونه دوری و یا نزدیکی هر سازمان یا جریانی به

از صفحه ۱ ادامه زندگی و مبارزه ...

زاده و اتحادیه آزاد همانطور که در یک بیانیه اعلام کردند اعتصاب غذا را شیوه درستی برای مبارزه نمیدانند. این شیوه ای از سر ناچاری و از نظر جسمی آسیب زننده است که سیاست های فوق ارتجاعی و قرون وسطایی جمهوری اسلامی در قبال فعالین جنبش کارگری و جنبش معلمان و همه کسانی که جرمی بجز دفاع از حقوق پایه ای خود ندارند، به زندانیان تحمیل کرده است.

جمهوری اسلامی مسئول مستقیم جان و سلامت جعفر عظیم زاده است. اعتصاب غذای شصت روزه یک فعال کارگری که جرمی جز دفاع از حقوق کارگران ندارد قبل از هر چیز افشا کننده عمق عقب ماندگی و ارتجاع و فساد حکومت اسلامی سرمایه داران و مقامات آنست. مقاماتی که حقوقهای چند ده و چند صد میلیونی به خود میدهند و به امثال جعفر عظیم زاده به خاطر اعتراض به دستمزد کمتر از یک چهارم خط فقر انگ امنیتی میزنند و آنانرا به زندان محکوم میکنند.

بیانیه مشترک عظیم زاده- عبدی حرکت و همبستگی وسیع و بیسابقه ای را در اعتراض به امنیتی کردن پرونده فعالین، دستمزدها و حقوقهای زیر خط فقر و در دفاع از زندانیان سیاسی و امنیتی دامن زده است. تا کنون دهها فعال و چهره سرشناس و هزاران کارگر و معلم معترض، نهادها و تشکل های کارگری، زندانیان سیاسی، فعالین جنبشهای اجتماعی، دانشجویان، نویسندگان، فعالین سرشناس

یادگیری، آنچه که فضای سیاسی، اعتراضی و اجتماعی در جامعه کردستان ایران را تشکیل میدهد خواست و تمایلات قومی، ناسیونالیستی و محاصره شهرها از طریق نیروهای مسلح در دهات نیست. بیش از دو دهه است که جنبش چپ، تمایلات سوسیالیستی، خواست و مطالبات کارگری، آزادیخواهان و برابری طلبانه آن است که فضای سیاسی و اعتراضی جامعه کردستان را شکل میدهد.

حزب کمونیست
کارگری ایران
۸ تیرماه ۱۳۹۵
۲۸ ژوئن ۲۰۱۶

نیروها و جریانات قومی که کارنامه مردود شدنشان را زیر بغل دارند شانس برای سوار شدن بر جنبش آزادیخواهان و انسانی در جامعه کردستان را ندارند. ارائه پروژه مهتدی برای همکاری با سازمان کردستان حکا بطور در خود مهر تائید دیگری بر شکست پروژه ها و بی افقی ناسیونالیسم کرد و قومی گری در کردستان ایران است.

از صفحه ۱ گلگشت ها اقدامی ...



و توام با اینها پوشش دادن مباحثی که موضوع روز هستند.

برگزاری گلگشت های تاکنون تجربه شده این واقعت را تاکید کرده است که مباحث روز و زنده در جمع شرکت کنندگان در گلگشت جذاب بوده و امکان دخالت و تاثیرگذاری هر چه بیشتر از شرکت کنندگان را فراهم کرده است.

به نظر من گلگشت محل ارائه بحثهای پایه ای و سنگین نباید باشد.

برگزاری گلگشت های مقطعی و دوره ای مناسب نیستند. تاکنون بمناسبت روز جهانی کارگر و یا روز جهانی زن بیشترین گلگشت ها برگزار شده اند. روتینی کردن برگزاری گلگشت بویژه در فصل هایی که امکان گردهمایی در بیرون از شهرها و در محل های تفریحی عملی است، هر ماه یک گلگشت به تداوم نزدیکی و همدلی و اشتراک عمل سیاسی کسانی که در گلگشت ها و یا میتینگ و حرکت های اعتراضی شرکت میکنند، کمک کرده و شبکه روابط پیرامونی را

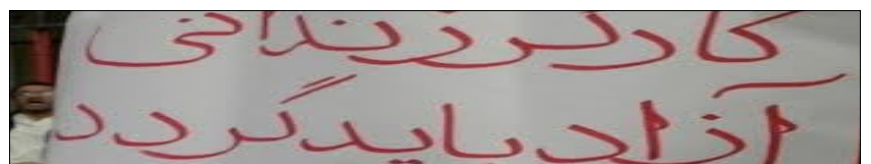
و یک ملاحظه! در گلگشت ها صورتها را مخفی نکنید و یا عبارتی روتوش و یا نپوشانید! گلگشت ها دستاورد یک دوره

طولانی تلاش فعالین عرصه های اجتماعی در شهرها است. از روابط طبیعی و عادی محافل و کانونهایی که با هم در محل های کار و محلات نزدیک بهم هستند، ایجاد شده است. انسانهایی حقیقی و با چهرهای باز و علنی در گلگشت ها شرکت کرده اند. سازماندهی میتینگ های چند دقیقه ای در گلگشت ها، مخفی نیست. روتوش کردن صورتها برای اعلام حمایت از جعفر عظیم زاده و یا مثلا دفاع از خواستهای کارگران و معلمان هم خواستی علنی است که کارگران و یا معلمان برای این خواستها بشکل علنی اعتراض خود را فراخوان و سازماندهی کرده اند. در گلگشت علنی، دلیلی برای پنهان کاری برای حمایت از اعتراض و خواستی که بشکل علنی انجام شده، نباید موضوعیت داشته باشد.

پنهان یا پوشاندن صورت ها در گلگشت ها، از میزان حمایت و پشتیبانی کسانی که ناظر این اعتراض هستند، میکاهد. برای کسانی که صورتهای پوشاننده در میتینگ درون گلگشت را میبینند، سمپاتی ایجاد نمیکند. با این نوع حرکات نادقیق درجه امنیتی کردن محیط را بالا برده و حساسیتهای ناآزم و بی موردی را ایجاد میکنند.

در شرایطی که در نزدیک به دو ماه گذشته بشکل علنی و گسترده از بیانیه عبیدی - عظیم زاده حمایتهای علنی و طومار و قطعنامه های علنی صادر شده، ده ها نفر از فعالین عرصه کارگری و معلمان در داخل ایران از خواستها و بیانیه عبیدی - عظیم زاده حمایت کرده اند، ده ها نفر در تهران در مقابل مجلس اسلامی با حمل عکس جعفر عظیم زاده خواستار آزادی او شده اند، در گلگشت و میتینگی که قرار است از عظیم زاده و خواستهایش دفاع شود، ظاهر شدن با صورتهای پوشاننده شده اقدامی ناستجیده است. توصیه ما این است از این نوع تاکتیک استفاده نکید!

۶ تیر ۱۳۰۵
۲۶ ژوئن ۲۰۱۶



از صفحه ۱ گزارش مقدماتی از ...



کرده و ضمن حمایت از بیانیه عظیم زاده - عبیدی، خواستار آزادی فوری ونجات جان جعفرعظیم زاده کارگر زندانی که ۶۲ روز دراعتصاب غذا و دروضعیت شدیداً بحرانی بسر میرد، شدند. این تجمع اعتراضی متشکل از کارگران و معلمان وسایرافراد و با سر دادن شعار های زبردرد یک فضای امنیتی و با حضور نیروهای پلیس همچنان تا زمان دریافت خبر ادامه دارد:

جای کارگر زندان نیست. مزد کارگر شلاق نیست. کارگر زندانی آزادبایدگردد. ۶۲ روز گذشته، جعفر آزاد

سوسیالیسم راه نجات ما است!

بیش از سه دهه است از زندگی ما دزدیده اند. اقلیتی مفتخور میلیاردر شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سرفه هایشان تماماً خالی شده است. سالها استثمارمان کرده اند و هر وقت نخواستند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند.

گله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند.

گولشان را نخوریم، اراجیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. ما سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

سرنگون باد سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!
زنده باد سوسیالیسم!
زنده باد حزب کمونیست کارگری!

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

نسان نودیپیان، نسرین رمضانلی



دستگاه قضایی با اخذ ۱۹۰ میلیون تومان وثیقه، با اعزام افشین سهراب زاده موافقت کرد.

پنجم تیرماه خانواده سهراب زاده موفق گردیدند که افشین را جهت درمان پزشکی به مرخصی ببرند. مرخصی درمانی این زندانی سیاسی تبعیدی که با پیگیری پدرش کسب گردیده، ۲۰ روز است. افشین سهرابزاده که از سال ۸۸ در زندان میناب در استان هرمزگان محبوس می‌باشد مبتلا به سرطان روده بوده و در طی روزهای اخیر نیز دچار مشکلات جدی تنفسی شده بود.

با داشت مظفر صالح نیا و ادامه بازداشت هاشم رستمی از فعالان کارگری

روز سه شنبه اول تیرماه نیروهای امنیتی رژیم با یورش به مغازه "مظفر صالح نیا" فعال کارگری در سنندج، نامبرده را بازداشت و به مکان نامعلومی انتقال دادند. لازم به ذکر است که طی روزهای اخیر "هاشم رستمی"، دیگر فعال کارگری نیز توسط نیروهای امنیتی و اطلاعاتی رژیم بازداشت شد. هاشم رستمی فعال ۶۸ ساله، از وضعیت جسمی نامناسبی برخوردار است. آخرین خبرها حاکی است که مسئولین امنیتی رژیم درخواست ملاقات خانواده هاشم رستمی با ایشان را تاکنون بی پاسخ گذاشته اند.

انفجار مین جان یک نفر را در قصر شیرین گرفت

روز پنجشنبه ۳ خرداد ماه، انفجار مین‌های به جامانده از دوران جنگ ایران و عراق، باعث کشته شدن "تیمور" ا، شد. فرماندار قصر شیرین، با بیان اینکه بازارچه مرزی سومار بازگشایی شده و فعال است، گفت: علاوه بر تردد افراد به بازارچه، کشاورزان و دامداران نیز در منطقه تردد دارند. در حالی که مسئولین حکومت اسلامی ایران به طور مداوم از پاکسازی مین در مناطق مرزی ایران به ویژه در

رخدادهای اضطراری محیط زیست و اصل استفاده غیر زیانبار از سرزمین و رعایت اصول حسن همجواری، مسئولیت‌های هر کدام از کشورها را به طور مشخص معین نموده و معاون اجرایی دبیرکل سازمان ملل را جهت پیگیری انعقاد این موافقت نامه مأمور پیگیری و حصول نتیجه نمایید."

پیشنهاد رهایی برای زندانی سیاسی کامران جعفری به شرط همکاری امنیتی

مراکز امنیتی حکومت اسلامی ایران در ارومیه، یک فعال سیاسی در بند را جهت اقدام به همکاری، تحت فشار قرار داده‌اند. یک فعال سیاسی مهابادی بنام کامران جعفری در زندان "دریا" با تطمیع و تهدید توسط مأموران امنیتی تحت فشار است تا از طریق مصاحبه تلویزیونی اقدام به همکاری کند.

در پی فشار نهادهای امنیتی، این زندانی که از داشتن وکیل محروم گشته گفته که با ادامه وضعیت کنونی، دست به اعتصاب اعتراضی خواهد زد. خانواده جعفری عنوان کرده‌اند که پیشنهاد انجام گفتگوی تلویزیونی از حدود ۲ هفته قبل با انتقال اجباری کامران به دفتر اطلاعاتی زندان دریا آغاز گردیده است. احضار و بازجویی از این زندانی سیاسی توسط شخصی با هویت "علیرضایی" صورت گرفته و او هرگونه شرایط مقامات امنیتی را قویا رد کرده است. اعترافات تلویزیونی پس از انقلاب ۵۷ به صورت گسترده از سوی دستگاه امنیتی ایران مورد استفاده قرار گرفته و این امر با واکنش تند مدافعان حقوق بشر و نهادهای بین‌المللی مواجه و آن را "اقدامی تبلیغاتی" و "فاقد ارزش سیاسی - حقوقی" دانستند. کامران جعفری اهل مهاباد سال ۹۴ در شعبه دوم دادگاه انقلاب ارومیه با اتهام ارتباط با یکی از احزاب کرد اپوزیسیون حکومت اسلامی به ۵ سال حبس تعزیری محکوم شد. حکم این زندانی سیاسی در دادگاه تجدید نظر به سه سال حبس تعزیری تقلیل پیدا کرد.

بی توجهی رژیم اسلامی به ریزگردها!

بخشهایی از نامه تعدادی از روزنامه نگارهای ساکن شهرهای کردستان ایران در ارتباط با بی‌توجهی مکرر و عمدی حکومت ایران به وضعیت وخیم استان‌های غرب و جنوب غرب کشور در پیشگیری از ورود ریزگردها به این مناطق، روزنامه نگاران در نامه مذکور خطاب به بان کی مون می‌نویسند: "از جناب عالی درخواست می‌کنیم به عنوان یکی از وظایف سازمان ملل متحد در زمینه محیط زیست ضمن تدوین یک کنوانسیون الزام‌آور بین‌المللی برای مقابله با ریزگردها و تشبیت شن‌های روان با عملیات "مالچ پاشی" و "ریگ پاشی" که مورد تاکید کارشناسان می‌باشد، اقدام نموده و دستور لازم جهت انعقاد یک موافقتنامه جهانی که به طور اختصاصی این موضوع را مورد بررسی قرار دهد، صادر و بر اساس مبانی مسئولیت‌های بین‌المللی کشورها اعم از حق برخورداری از محیط زیست امن و سالم و اصل مسئولیت دولت‌ها و تعهد آنها به اطلاع رسانی و همکاری به هنگام

ایران با نرخ بیکاری برآوردی ۱۷/۳ درصد در مقام چهارم جهان!

جدیدترین نرخ‌های بیکاری کشورهای مختلف نشان می‌دهد،

در روز پنجشنبه دوم تیرماه، امروز شنبه نیز مجدداً توسط متخصص قلب بیمارستان معاینات قلبی به عمل آمد که بر اساس بررسی‌های پزشکی در رابطه با قلب و فشار خون وی اعلام گردید تمامی این عوارض حاد، مربوط به اعتصاب غذا می‌باشد و تنها با برقراری روال معمول تغذیه امکان رفع آنها میسر خواهد بود در غیر این صورت وضعیت موجود وی به سرعت وخیم تر نیز خواهد شد

مسئولین قضایی با اینکه از وضعیت جسمانی فوق‌العاده بحرانی جعفر عظیم زاده آگاهی کامل دارند، کلام آخر خود را امروز با اعلام پذیرش هر هزینه‌ای در رابطه با آنچه که قرار است به سر او بیاورند، بیان کردند.

امروز شنبه ۵ تیرماه به دنبال مراجعه خانواده جعفر عظیم زاده به دادستانی برای پیگیری وضعیت پرونده وی، مسئولین دادستانی اعلام کردند که دادستان تهران فقط دستور رسیدگی پزشکی را برای او صادر کرده است و گفته است هر بلایی در نتیجه اعتصاب غذا بر سر

وی بیاید برای ما مهم نیست اتحادیه آزاد کارگران ایران ۵ تیر ۹۵

اسماعیل عبدی: جعفر عظیم زاده را آزاد کنید حقوق معلم و کارگر

دهم اردیبهشت سال ۹۵ بود که در زندان اوین جعفر عظیم زاده دبیر اتحادیه آزاد کارگران ایران و اسماعیل عبدی دبیرکل کانون صنفی معلمان در اعتراض به حق قانونی معلمان و کارگران یعنی برداشتن اتهامات امنیتی از فعالان صنفی، پس از صدور بیانیه‌ای مشترک دست به اعتصاب غذای نامحدود زدند.

اسماعیل عبدی در ۲۵ اردیبهشت و پس از ۱۶ روز اعتصاب غذا با قرار وثیقه تا نهای شدن حکم دادگاه تجدیدنظر آزاد شد ولی گویا مسئولین امر صدای عدالتخواهی جعفر عظیم زاده را نشنیده یا خود را به نشنیدن زده‌اند. تا جایی که عظیم زاده در پنجاه و دومین روز اعتصاب غذا به دلیل شرایط حاد جسمانی نظیر خونریزی روده، تاری دید، عدم تعادل در راه رفتن، خواب رفتگی در ناحیه سمت

اوضاع نامناسب بازار کار در برخی مناطق اروپا مانند یونان و اسپانیا همچنان وجود دارد، در عین حال شرایط اشتغال در تایلند و سنگاپور مناسب است. به گزارش ۵ تیرمهر، بررسی جدیدترین تغییرات نرخ بیکاری در کشورهای مختلف جهان نشان می‌دهد که وضعیت بیکاری در برخی مناطق مانند یونان با ۲۴،۴ درصد و اسپانیا با ۲۰،۴ درصد؛ همچنان در شرایط نامناسب قرار دارد. همچنین این نرخ در آفریقای جنوبی ۲۶،۷ درصد و نرخ برآوردی برای ایران نیز به میزان ۱۷،۳ درصد است. نرخ بیکاری در منطقه یورو ۱۰،۲ درصد شده و از آنسو در برخی مناطق مانند نروژ با ۴،۶ درصد، سوئیس ۳،۵ درصد، هنگ کنگ ۳،۴ درصد و مالزی با ۳،۴ درصد؛ شرایط مناسب تری در بازار کار حاکم است. وضعیت مناسب نرخ بیکاری در برخی کشورهای دیگر مانند سنگاپور با ۱،۹ درصد، کره جنوبی ۳،۹ درصد، تایلند یک درصد و ژاپن با ۳،۲ درصد نیز قابل مشاهده است.

گزارشی از آخرین وضعیت جعفر عظیم زاده و پاسخ دادستان تهران جعفر عظیم زاده که از هشت روز پیش از لحظه ورود به بیمارستان سینا با درخواست مصرانه خانواده و دوستان نزدیکش، تزریق سرم را پذیرفته است همچنان به طور شبانه روزی زیر سرم قرار دارد و در حال حاضر پس از نزدیک به ۶۰ روز اعتصاب غذا، فقط به دلیل پذیرش سرم قادر به حرف زدن و حفظ هوشیاری است. وی علیرغم پذیرش لاینقطع سرم در شبانه روز، فشارخونش ۷ روی ۵ است و دچار افت شدید ضربان قلب، سرگیجه و اختلالات ادراری و خونریزی گوارشی (روده) می‌باشد.

با بررسی وضعیت جسمی جعفر عظیم زاده توسط پزشکی قانونی در روز چهارشنبه اول تیرماه که به درخواست دادستانی تهران صورت گرفته، کلیه موارد مربوط به وضعیت حاد جسمانی او از قبیل خونریزی روده، افت شدید ضربان قلب، مشکلات ادراری، سرگیجه، کاهش شدید وزن و افت شنوایی مورد تایید قرار گرفته و به دادستانی اعلام گردیده است. همچنین بعد از انجام اکوی قلب

از صفحه ۴ نگاه هفته: مجموعه اخبار...

چپ سر و... به بیمارستان سینا انتقال یافته و بستری شد. ولی او تا امروز که در آستانه پنجاه و هشتمین روز اعتصاب غذای خود است همچنان بر خواسته اش اصرار داشته و ایستادگی می کند.

اسماعیل عبدی دبیرکل کانون صنفی معلمان امروز جمعه سوم تیرماه پس از ملاقات خانوادگی با جعفر عظیم زاده اینگونه می گوید: فردی که دست به اعتصاب غذا زده با گرسنگی دادن به خود، "مرگ" و "رنج" را که امری بسیار شخصی است، همگانی میکنند و رنج او منبع انرژی برای حمایتکنندگان و ناظران میشود. فرد اعتصابکننده که صدایش به جایی نمیرسد، با بر سر دست گرفتن جان خود، می خواهد پیامش را به صاحبان قدرت برساند. میزان مقاومت و پایداری بر سر خواسته نشان از برحق بودن آن است.

پس از بستری شدن عظیم زاده در بیمارستان سینا هر روز به ملاقاتش رفته و از نزدیک تمامی روند آزمایشات او را زیر نظر داشتیم. از مسئولان بیمارستان سینا به خاطر تلاش و نهایت همکاریشان در بستری کردن او و

جلوگیری از بروز فاجعه سپاسگزاری می کنم. حمایت بی دریغ و همیشگی خانواده عظیم زاده به ویژه همسرش نیز قابل تحسین و تقدیر است. در این مدت کارگران و معلمانی را دیدم که از اقصی نقاط کشور برای حمایت از جعفر به بیمارستان آمدند که خود نشانه همدلی معلمان و کارگران ایران است. حمایت نهادهای بینالمللی از خواسته مشترک ما یعنی برداشتن اتهامات امنیتی نیز قابل ستایش و قدردانی است.

اما روی سخن من با مسئولین و قضات و ضابطان قضایی است که هیچ توجهی به فریادهای برآمده از جان عظیم زاده ندارند. ما بر خواستههای مشترک قانونی خود همچنان ایستاده و بر آن تأکید داریم. با توجه به وضعیت وخیم جعفر عظیم زاده بیم آن می رود که این بی توجهیها منجر به فاجعه ای جبران ناپذیر شود. اگر چنین فاجعه ای رخ دهد مسئولیت آن تنها متوجه کسانی است که فریادهای دادخواهی عظیم زاده را نشنیده اند.

محمود بهشتی:
جعفر عظیم زاده را آزاد کنید



Free

Jafar Azimzadeh!

LABOUR ACTIVISTS

جعفر عظیم زاده را آزاد کنید!

دیروز به دیدارش رفتیم. دوستان دیگری هم که نگران سلامتی شما بوده و هستند آمده بودند. بعضی ها دلسوزانه و مضطرب دعوتش می کردند به شکستن اعتصاب غذا و این که صدايت شنیده شدوجان عزیزت بر ایمان ارزشمندتر از هر دستاوردی است که به بهای از دست دادن آن حاصل شود اما با وجود ضعف شدید جسمانی، ضربان ضعیف نبض و تاکیدی پزشکان مبنی بر این که در صورت خودداری از خوردن دیگر هیچ کاری از دستشان بر نمی آید برآمده ی اعتصاب غذا تا حصول نتیجه و رسیدن به مقصود پافشاری می کند.

حقیقتا نمی توان در برابر این جثه ضعیف و اراده ی پولادین سر تعظیم فرود نیاورد.

بالین وصف از قهرمان شدن و تعریف و تمجید خوشش نمی آید و قهرمان واقعی این داستان را کسانی می دانند که از او حمایت کرده و می کنند و البته همسر محترمش که تحمل این همه فشار هونوز کمزش را خم نکرده و استوار ایستاده است.

امروز، مرگ و زندگی کارگزدانی، جعفر عظیم زاده، که در اعتراض به احکام ناعادلانه و وانگ های امنیتی، بیش از ۶۵ روز است که در اعتصاب غذا به سر می برد در دست مسولان قضایی و امنیتی است. کاش قبل از این که دیر شود تصمیمی منطقی و عاقلانه اتخاذ شود.

محمود بهشتی لنگرودی
۴/۴/۹۵
منبع: سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران

حزب کمونیست کارگری: ما روی شما حساب میکنیم!

اعلام کمپین جمع آوری ۵۰ هزار دلار کمک مالی

حزب کمونیست کارگری برای تأمین مالی فعالیت های خود نیاز فوری به کمک های شما مردم شریف و آزادیخواه دارد.

این حزبی است که بطور خستگی ناپذیر علیه جمهوری اسلامی و برای حرمت و رهایی انسان در عرصه های مختلف مبارزاتی در داخل و خارج کشور تلاش میکند. انجام چنین فعالیت گسترده ای با ابزارهای لازم آن، نظیر تلویزیون ۲۴ ساعته کانال جدید، جز به هست و فداکاری حزب کمونیست کارگری برای جمله در تأمین هزینه های مالی آن، ممکن نبوده و نیست. اکنون حزب در یک وضعیت دشوار مالی قرار گرفته و نیاز فوری به جمع آوری حداقل ۵۰ هزار دلار برای تأمین کسری خود دارد.

از شما دعوت میکنیم ما را در تهیه این مبلغ یاری کنید. از شما تقاضا میکنیم که تأمین مالی فعالیت های حزب را جزو هزینه های ضروری خود قرار دهید. از طریق تماس مستقیم با تشکیلات ما و

سوئد:
Sweden
Post Giro: ۶۳۹ ۶۰ ۶۰۳
account holder: IKK

آلمان:
Germany
Rosa Mai
Post Bank Köln
Konto. Nr
۵۸۳۶۵۷۵۰۲
Bankleitzahl: ۳۷۰۱۰۰۵۰
Post Bank Köln
IBAN: DE۵۷ ۳۷۰۱ ۰۰۵۰ ۵۸۳ ۶۵۷۵ ۰۲
BIC: PBNKDEFFxxx

کانادا:
Canada
ICRC
Scotiabank
Dixie Rd, Mississauga
L4W 2R1
Account #: ۸۴۳۹۲ ۰۰ ۲۶۹ ۱۳

هلند:
Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: ۱۵ ۱۳۵۰ ۲۴۸
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NLY۴ RABO ۰۱۵۱ ۳۵۰ ۲۴۸

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:
England
Account nr. ۴۵۴۷۷۹۸۱
sort code: ۶۰-۲۴-۲۳
account holder: WPI
branch: Wood Green
Bank: NatWest
IBAN: GB۷۷ NWBK ۶۰۲۴ ۲۳۴۵
BIC: NWBK GB ۲L

سوالی دارید میتوانند با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا:
سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
از ایران:
شهلا دانشفر ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸
عبدل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰



از صفحه ۱ اخبار هفتگی از رویدادهای ...

کردستان پناه آورده اند و از همان ابتدا هم ناسیونالیزم کرد دقیقاً با همان شیوه و شگرد ناسیونالیستها و سرکوبگران تاریخ و از جمله حکومت فاشیستی بعث عراق، شروع به برخورد های راسیستی به مردمی کردند که بخاطر جنگ و کشتار به اقلیم پناه آورده اند و تصمیم اخیراً استاندار حلبچه رسمیت دادن به قانون راسیستی و بی حقوق کردن شهروندانی است که تنها جرمشان این است که به زبان دیگری سخن می گویند و در نقطه دیگری از عراق بدنیا آمده اند. استاندار حلبچه حتماً برخورد فاشیستی دهه هشتاد رژیم بعث عراق نسبت به شهروندان کرد مقیم کرکوک را بیاد دارد، آنجا هم دولت وقت صدام با همین بهانه جناب استاندار خرید و فروش زمین، خانه و حتی تعمیرات خانه های خراب شده شهروندان کرد این شهر را ممنوع کرده بود و عملاً بخشهای کرد نشین این شهر به خرابه ای تبدیل شده بود. شهر حلبچه در سال ۸۸ مورد یورش وحشیانه دو رژیم اسلامی و بعث عراق قرار گرفت و جنایتکاران صدام آنرا با بمب شیمیایی مورد حمله قرار دادند و بیش از ۵ هزار نفر از مردم بی دفاع این شهر تنها در کمتر از چند دقیقه جانشان را از دست دادند، اما هیچ درجه از سببیت و جنایت پیشگی دولتهای سرکوبگر نمی تواند و نباید مانع برخورد های قومی و راسیستی به مردمی شود که امروز به ناچار به مردم استان حلبچه پناه آورده اند. حق شهروندی و استفاده از کلیه مزایا و امکانات برای همه کسانی که در این مناطق کار و زندگی می کنند باید جزئی از ابتدائی ترین حقوق مردم باشد و نباید اجازه داد هیچ بخشی از مردم و از جمله مردم عرب زبان این چنین به شهروندانی درجه دوم و سوم تقسیم شوند.

رفراندوم و جدائی تشکیل جلسه دهند. بر اساس آخرین خبرهای منتشر شده اخیراً اتحادیه میهنی، جنبش گوران و دو حزب اسلامی حاکم بر اقلیم کردستان در جواب به پیام بارزانی اعلام کرده اند که آنها قبل از هر جلسه و بررسی رفراندوم و جدائی خواهان عادی شدن اوضاع و برگشت نمایندگان پارلمان و از جمله نمایندگان اخراجی جنبش گوران هستند. لازم به ذکر است که بحران سیاسی حکومت اقلیم هم اکنون دولت احزاب حاکم را فلج کرده، مسعود بارزانی که دوران صدارتش از ۱۹ آگوست ۲۰۱۵ به پایان رسیده حاضر به استعفا و یا دست کشیدن از این پست نیست و از طرف دیگر حزب بارزانی با زور و قلدری نمایندگان پارلمانی جنبش گوران و چهار وزیر آنها را از شهر اربیل و پارلمان اخراج کرده و بدین ترتیب ماهها است که جنگ و کشمکش احزاب حاکم همچنان ادامه دارد.

توپ باران مناطق مرزی اقلیم توسط رژیم اسلامی!

بر اساس گزارشهای منتشر شده روز ۲۶ ژوئن نیروهای سرکوبگر رژیم اسلامی مناطق وسیعی از سیده کان و از جمله شش روستای این منطقه را توپ باران کردند. گزارشها حاکیست که در نتیجه این توپ بارانها تا هم اکنون دو کودک زخمی و خسارات زیادی به کشاورزی مردم این مناطق وارد شده و تعدادی از مردم هم ناچار شده اند که منطقه را تخلیه کنند و به مناطق امن تر پناه ببرند. لازم به ذکر است که مناطق مرزی اقلیم کردستان هر ساله به بهانه حضور نیروهای اپوزیسیون رژیم اسلامی بارها توسط نیروهای سرکوبگر این رژیم توپ باران شده و خسارات فراوانی را به مردم این مناطق وارد کرده است.

بیانیه حکومت اقلیم در باره توپ باران مناطق مرزی توسط حکومت های ایران و ترکیه!

روز ۲۶ ژوئن حکومت اقلیم کردستان طی بیانیه ای در باره توپ باران مناطق مرزی توسط نیروهای ترکیه و ایران اظهار نگرانی کرد و خواهان قطع این توپ بارانها شد.

گفتنی است که حکومت ترکیه طی يك سال گذشته دهها بار مناطق مرزی اقلیم را به بهانه حضور نیروهای پ ك ك در این مناطق بمباران و توپ باران کرده و دهها نفر از مردم فقیر نشین این مناطق جانشان را از دست داده اند، همچنین روز ۲۶ ژوئن هم نیروهای رژیم اسلامی به بهانه حضور نیروهای حزب دمکرات کردستان مناطق سیده کان را توپ باران کردند و خسارات زیادی به مردم این مناطق بوجود آوردند. در بیانیه حکومت اقلیم همچنین آمده است که آنها به تعهدات خود نسبت به کشورهای همسایه پایبند هستند و از نیروهای اپوزیسیون دو کشور و از جمله نیروهای پ ك ك هم خواسته اند که از خاک آنها برای حمله به نیروهای ایران و ترکیه استفاده نکنند. لازم به ذکر است که حکومت اقلیم که با دولتهای سرکوبگر ایران و ترکیه روابط بسیار حسنه ای دارد در همین بیانیه هم بجای محکوم کردن تند توپ باران و بمباران مناطق مرزی خود توسط دولتهای سرکوبگر به یک اظهار نگرانی اکتفا کرده و دست آخر هم تعهدات خود را به این کشورها یکبار دیگر اعلام کرده است. کسی نیست به این حکومت کارتنی اقلیم بگوید که شما نگران تعهدات خود نباشید، شماها نه تنها به خوبی پایبند تعهدات خود هستید، بلکه دهها بار در روز روشن به این دولتهای سرکوبگر و وحشی اجازه دادید به مناطق شما نه تنها حمله کند، بلکه در عمق مناطق نیروهای مخالف خودشان را مورد تعقیب و آزار و اذیت و ترور قرار دهند و اقلیم را عملاً به پشت جبهه ای برای خود تبدیل کنند. شماها عملاً با سکوتتان مهر تائید بر همه جنایتهای دو رژیم سرکوبگر ترکیه و ایران گذاشتید و اطلاعیه خیرتران هم بیشتر تکرار تعهدات خود به این حکومتها است تا نگرانی جدی برای شهروندان بی گناهی که خانه و کاشانه اشان توسط نیروهای سرکوبگر این رژیمها از بین می رود.

بمباران مناطق مرزی توسط نیروهای دولت ترکیه! بر اساس گزارشهای منتشر شده

روز ۲۷ ژوئن نیروهای سرکوبگر دولت ترکیه بار دیگر منطقه وسیعی از مناطق مرزی اقلیم کردستان را بمباران کردند. این گزارش می افزاید که در این بمبارانها روستاهای ابوبکر، ورته، سونی، قه لاتاوکان و آلی ره ش مورد حمله قرار گرفته اند. لازم به ذکر است که هم اکنون نزدیک به دو هفته است که نیروهای نظامی دولت ترکیه هر روزه مناطقی از اقلیم کردستان را به بهانه حضور نیروهای پ ك ك بمباران می کند و خسارات زیادی را به مردم این مناطق وارد کرده اند. از طرفی حکومت اقلیم هم نسبت به جنایتهای دولت ترکیه تنها با صدور بیانیه ای و اظهار نگرانی از این وضعیت اکتفا کرده است. دولتی تا دندان مسلح و سرکوبگر که زندگی را بر بخشی از مردم این دیار نا امن کرده و روزانه دارد از آنها تلفات می گیرد.

نتیجه جلسه دفتر سیاسی اتحادیه میهنی بر سر شهر کرکوک!

روز ۲۵ ژوئن دفتر سیاسی اتحادیه میهنی در شهر سلیمانیه تشکیل جلسه داد و در باره پیشنهاد به استان مستقل شدن شهر کرکوک که از طرف استاندار کرکوک مطرح شده بود، پرداخت و اعلام کردند که کرکوک بخشی جدائی ناپذیر از اقلیم کردستان است و اتحادیه میهنی به این اصل متعهد است. لازم به ذکر است که چندی پیش نجم الدین کریم استاندار کرکوک که خود از اعضای رهبری اتحادیه میهنی می باشد پیشنهاد کرده بود که کرکوک به استانی مستقل در عراق تبدیل شود و همین نظر مورد مخالفت بیشتر احزاب حاکم بر کردستان قرار گرفت و اتحادیه میهنی هم ناچار شده در این باره تشکیل جلسه دهد و رسماً نظرش را اعلام کند.*

کمیته
برای آزادی کارگران زندانی در ایران

FREE THEM NOW!

همه فعالین کارگری باید فوراً لغو شود!

باید آزاد شوند

کامران و معلمان زندانی در ایران

محمد علی پاشایی، محمد جراحی، بهنام ابراهیم زاده، علیرضا هاشمی، محمود پاشایی، اسماعیل عبوری، رسول بدلی، عثمان اسماعیلی، محمد رضا بیگ زان، رضا شهبازی، سعید پهلوانی، محمود صابری، جعفر محمودی، اراو، پاتوری

از صفحه فیسبوک نشریه ایسکرا دیدن کنید
<https://www.facebook.com/iskara.wpi/>

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
چهارشنبه ۱۵ ستر می ۲۰۱۵

ایسکرا

تلفن و ای مایل آدرسی تماس با سردبیر
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!